

آیا امروز انقلاب ایران در دستور روز است؟

(یک ارزیابی لنینیستی*)

مازیار رازی
maziar.razi@gmail.com



«برای مبدل شدن به قدرت سیاسی، کارگران آگاه طبقاتی باید اکثریت مردم را به خود جلب کنند... ما بلانکیست نیستیم. ما نمی خواهیم قدرت سیاسی را توسط یک اقلیت به چنگ آوریم»

(پراودا - آوریل ۱۹۱۷)
militaant.com

به اعتقاد مارکسیست های انقلابی ایران بحران ساختاری اقتصادی در ایران و بحران های پی در پی سیاسی، شرایط عینی را برای یک انقلاب سوسیالیستی به رهبری شوراهای کارگری آماده کرده است**.

اما، پرسش اساسی این است که انقلاب آتی ایران: اول، در چه زمان و شرایطی رخ می دهد؟ دوم، چگونه باید سازماندهی شود؟ از اینرو باید به تجربه تنها انقلاب سوسیالیستی در جهان به رهبری حزب بلشویک و مشخصاً نظریات لنین رجوع شود.

مفهوم مارکسیستی انقلاب چیست؟

برخلاف گرایشات آنارشیستی و ماجراجو که با مشاهده هر تحولی در سطح جامعه ندای «آغاز انقلاب» را با بوق و کرنا به صدا در می آورند، مارکسیست های انقلابی مسئولانه از تحلیل های مشخص از وضعیت مشخص متکی بر متدولوژی مارکسیستی و تجربه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ (نخستین و تنها انقلاب سوسیالیستی در جهان) حرکت می کنند. به بیان دیگر، تناسب قوای واقعی اجتماعی را ارائه داده و گام های بلافاصله بعدی را در راستای تحقق انقلاب در اختیار جنبش کارگری قرار می دهند و خود، طبقه کارگر و متحدانش را آماده تسخیر قدرت سیاسی می کنند.

از منظر مارکسیستی، در وضعیت ویژه ای که در آن، به قول کارل مارکس، نیروهای مولده در تناقض با مناسبات تولیدی قرار می گیرند و جامعه تحت شرایط ویژه ای می گردد که وضعیت آستن انقلاب می شود. در چنین دوره ای در هر زمان می توان شاهد طغیان ها، اعتراضات و حرکت های توده ای بود. مضاف بر این؛ مارکسیست ها

بر این اعتقادند که در عصر امپریالیسم یعنی دوره کنونی، دوره ی جنگ های داخلی، قیام و انقلاب است. به سخن دیگر شرایط عینی برای انقلاب های اجتماعی در سراسر جهان به وجود آمده است. آنچه کمبودش احساس می شود شرایط ذهنی یا غیبت رهبری واجد شرایط کارگری برای سازماندهی انقلاب است.

این کلیاتی است که در برنامه هر مارکسیست انقلابی جای دارد. تجارب غنی چهار کنگره اول کمینترین این درس ارزنده را بیش از یک قرن پیش به تمامی مارکسیست های انقلابی ارائه داد: «دوران معاصر دوران تلاشی و اضمحلال تمامی نظام های سرمایه داری است... اینک وظیفه پرولتاریا عبارت است از تصرف قدرت دولتی (تورها... قطعنامه ها و بیانیه های چهار کنگره اول بین الملل سوم - نامه دعوت به کنگره - ص ۱). یا در «دوران طولانی انقلاب اجتماعی... موقعیت اقتصادی و سیاسی از نظر عینی انقلابی است و بحران های انقلابی بدون اختطار تکوین خواهند یافت...» (و) خصلت این دوران انتقالی همه احزاب کمونیست را موظف می دارد که هرچه می توانند برای تدارک پیکارهای نظامی تلاش کنند... هر تقابلی می تواند به مبارزه برای تصرف تبدیل شود» (در باره تاکتیک ها - بیانیه بین الملل کمونیستی خطاب به کارگران جهان ص ۲۷۵... ۲۷۷... ۲۸۸).

در نتیجه این موضع میان مارکسیست های انقلابی نیازی به تاکید مضاعف ندارد. زیرا هدف اصلی مارکسیست های انقلابی صرفاً بیان این واضحات در باره مفهوم انقلاب نیست، بلکه چگونگی تدارک و سازماندهی انقلاب است. بدیهی است که برای تدارک هر انقلابی نیز نیاز به تحلیل مشخص از وضعیت مشخص اجتماعی است. به ویژه ارزیابی توان و آمادگی پیشروان کارگری. به سخن دیگر وضعیت انقلابی می تواند به وجود آید (همانند مواردی که در سال های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ ما در ایران شاهد آن بودیم). اما در عین حال باید درک شود که هر وضعیت انقلابی الزاماً به انقلاب و تسخیر قدرت سیاسی توسط توده ها منجر نمی گردد.

بنابراین زمانی که مارکسیست ها انقلابی از کلمه ی «انقلاب» به مفهوم اخص آن استفاده می کنند؛ منظورشان این است که وضعیت انقلابی در جامعه به گونه ای است که می تواند به انقلاب منجر گردد؛ آیا طبقه کارگر آمادگی و توان سازماندگی انقلاب را دارد؟ آیا وضعیت به پیروزی انقلاب منجر می شود؟ آیا وضعیت به اعتلای انقلابی خواهد انجامید؟ تمام این سؤالات را نمی توان بدون ارزیابی دقیق از وضعیت خود کارگران و تناسب قوای طبقاتی در جامعه، پاسخ جامع و دقیق داد.

باید توجه داشت که مارکسیسم بیش از هر چیز یک روش تجزیه و تحلیل مناسبات اجتماعی است، و نه صرفاً انعکاس دهنده نظریات عمومی و یا احساسات فردی در مقابل اعتراضات توده ای و وقایع خیابانی. و یا تحلیل عمومی اقتصادی و ارائه آمار و ارقام.

در واقع تفاوت یک مارکسیست انقلابی با یک روزنامه نگار بورژوا (یا یک عملگرای رادیکال خرده بورژوا)، در این است که روزنامه نگار رادیکال تحت مشاهده وقایع روزمره و مطالبات مطروحه در خیابان ها گزارشاتی متأثر از حرکت های توده ای در روزنامه خود انعکاس می دهد. در صورتی که یک مارکسیست انقلابی با مشاهده تمام وقایع و ارزیابی دقیق آن، وضعیت کل جامعه را در قبال وقایع سنجیده و تحلیل مشخصی برای آماده سازی ذهنی و تشکیلاتی نیروهای انقلابی در جامعه به ویژه کارگران پیشرو، بر اساس تجارب پیشین درونی و بین المللی، متکی بر متدولوژی مارکسیستی، ارائه می دهد. زیرا، هدف یک مارکسیست انقلابی دخالتگری در مسئله روزمره جنبش با هدف جهت دادن آن جنبش به سمت سوی انقلاب سوسیالیستی است. بنابراین هدف یک مارکسیست انقلابی با یک روزنامه نگار بورژوا (و یا گرایش خرده بورژوا) در اساس متفاوت است، گرچه هر دو از یک واقعه سخن به میان می آورند.

از دیدگاه مارکسیست های انقلابی، انقلاب مبارزه ای است میان نیروهای اجتماعی برای کسب قدرت دولتی. دولت ابزاری است در دست نیروهای غالب اجتماعی. این ابزار همانند ماشینی، اجزاء مشخص خود را داراست: نیروی محرک، موتور، مکانیزم انتقال و مکانیزم اجرایی. نیروی محرک دولت منافع طبقاتی است؛ مکانیزم موتوری آن تهییج، نشریات، تبلیغات و مدارس، حزب ها، مساجد، تظاهرات خیابانی و قیام هاست. مکانیزم آن تشکیلات مقننه، طبقه، قشرهای ممتاز جامعه، روحانیون، می باشد. و بالاخره مکانیزم اجرایی آن دستگاه اداری، پاسداران و پلیس، دادگاه ها، زندان ها و ارتش است. بدون سرنگونی این دولت بورژوایی و جایگزینی آن با دولت کارگری، هیچ یک از تکالیف انقلاب قادر به حل نخواهد بود.

و از سوی دیگر، بدون ارزیابی از وضعیت و آمادگی طبقه کارگری برای سازماندهی انقلاب و جایگزینی آن با دولت کارگری، صحبت از «آغاز انقلاب» در ایران به میان آوردن، نمایندگی بی اعتنایی به تجارب انقلابات جهانی، و هرج و مرج طلبی ماجراجویانه است. برای مارکسیست های انقلابی آغاز انقلاب به مفهوم حضور بلقوه طبقه کارگر

برای سازماندهی انقلاب است. روندی که با رودروی نه تنها در خیابان ها بلکه در کارخانه ها آغاز شده و چشم انداز آن ورود به دوره اعتلای انقلابی برای سرنگون نظام سرمایه داری و قدرت کارگری است. بدیهی است که برای تضمین این روند انقلابی وجود حزب پیشتاز انقلابی ضروری است.

آموختن از لنین در سازماندهی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه

لنین نقش تعیین کننده ای در سازماندهی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ ایفا کرد. او نه تنها ابزار تدارک انقلاب (حزب پیشتاز انقلابی) را بوجود آورد که امر سازماندهی تسخیر قدرت را گام به گام به فرجام رساند. به جرأت می توان اذعان داشت که بدون حضور و دخالتگری مستقیم و گام به گام لنین اولین انقلاب سوسیالیستی در جهان صورت نمی پذیرفت. از اینرو مارکسیست های انقلابی در ایران بایستی توجه اخص به نظریات لنین در امر سازماندهی انقلاب معطوف دارند. بدون استفاده از این تجارب غنی در امر سازماندهی و تسخیر قدرت توسط حزب بلشویک و در رأس آن شخص لنین، انقلاب آتی ایران نیز می تواند در دست ماجراجویان سیاسی و آنارشویست ها و گرایشات خرده بورژوا رادیکال به کجراه رود.

این جریانات انحرافی که روزانه «آغاز انقلاب» را ندا می دهند، و تجسم می کنند که «رادیکالیسم» انقلابی مربوط به این است که هر خیزش اجتماعی را «انقلاب» نامند، سخت در اشتباه هستند. به ویژه زمانی که مارکسیست های انقلابی را به «دست روی دست» گذاشتن و وقت تلف کردن متهم می کنند. این جریانات باید توجه کنند که مواضع لنین در عرض ۸ ماه از فوریه ۱۹۱۷ تا اکتبر ۱۹۱۷ (که انقلاب به پیروزی نهایی رسید)، هشت بار تغییر تاکتیکی کرد. لنین در تزه های آوریل ۱۹۱۷ مشخصاً در مقابل دولت کرنسکی موضع اعلام کرد که دولت او باید به مثابه یک دولت بورژوایی سرنگون شود. اما، روز و ساعت سرنگونی را منوط به وضعیت و تناسب قوا جنبش کارگری کرد. در ماه ژوئن ۱۹۱۷ (یعنی ۴ ماه پیش از انقلاب) زمانی که برخی از اعضای کارگر حزب بلشویک (که حدود ۲۵۰۰۰ عضو داشت) پیشنهاد شرکت مسلحانه در تظاهرات با هدف تسخیر قدرت را دادند لنین با آنها مخالفت کرد. زیرا او امر تسخیر قدرت را هنوز آماده ارزیابی نمی کرد. یا در سپتامبر ۱۹۱۷ که کودتای کورنیلوف (ژنرال تزار) در حال تکوین بود، لنین حتی پیشنهاد حمایت مشروط از کرنسکی (که قصد سرنگونی دولت او را داشت) را در مقابل کورنیلوف داد. این ها تاکتیک های مؤثری بودند که نشان دهنده درایت لنین در سازماندهی انقلاب بود. پس از کسب اعتماد اکثریت شوراهای کارگری به برنامه حزب بلشویک بود که طبقه کارگر را آماده تسخیر قدرت ارزیابی کرد. از گرایشات ماجراجو باید پرسید که آیا این تامل لنین در شرکت در انقلاب زودرس به این مفهوم بود که او در ژوئن ۱۹۱۷ قصد «دست روی دست» گذاشتن را داشت و یا خواهان انقلاب نبود؟ بدیهی است که افرادی که چنین تصور می کنند، با مسایل تاکتیکی تدارک انقلاب نا آشنا هستند. در اکتبر ۱۹۱۷ با توجه به حمایت شوراهای کارگری از حزب بلشویک و شرایط بین المللی، لنین پیشنهاد تسخیر قدرت را داد که دو تن از اعضای رهبری حزب بلشویک (کامنوف و زنویف) با او مخالفت کردند و لنین را متهم به «بلانکسیم» کردند. اما در عمل نشان داده شد که هم امتناع از انقلاب مسلحانه زودرس ژوئن ۱۹۱۷ درست بود و هم سازماندهی تسخیر قدرت در اکتبر ۱۹۱۷ که با دقت توسط لنین رهبری شد.

در پاسخ به ماجراجویان وقت خود لنین در «بیماری کودکی، چپ روی در کمونیسم» (مه ۱۹۲۰) شرایط آمادگی برای انقلاب و تسخیر قدرت را چنین بیان کرد:

اول، تمام طبقات متخاصم (رژیم) به انقلاب به علت اختلافات درونی شان، ضعیف و سردرگم شده و قابلیت حاکمیت را مانند پیش نداشته باشند.

دوم، طبقات مابینی (خرده بورژوا دمکرات) به اندازه کافی در انظار توده ها افشا و بی اعتبار شده باشند. سوم، در میان پرولتاریا حرکت های روشن و بی پروا انقلابی علیه رژیم سرمایه داری وجود داشته و در حال رشد باشد.

چهارم، ارتش نظامی رژیم سرمایه داری در حال قیام و فروپاشی باشد. همچنین، و از همه مهمتر، رهبری انقلابی و قابل اعتماد توده ها وجود داشته باشد.

به نظر لنین این شرایطی است که رهبری انقلابی می تواند تدارک انقلاب و تسخیر قدرت را فراهم آورد. پرسش ما از جریانات ماجراجو که فراخوان انقلاب در ایران را امروز تبلیغ می کنند اینست که آیا این شرایط چندگانه امروز در ایران وجود دارد؟

چنانچه پاسخ منفی است، تنها روش صحیح امروزی، سازماندهی حزب پیشتاز انقلابی است که زمانی که شرایط مشخص ۴ گانه بالا آماده شد، بتواند با بکارگیری تاکتیک های صحیح سرنگونی نظام سرمایه داری و استقرار نظام شورایی را تضمین کند. از لحاظ تاریخی، تامل برای تضمین پیروزی انقلاب سوسیالیستی در ایران ریشه در درک صحیح از روش ها و تاکتیک های لنینیستی دارد. تسریع در سازماندهی انقلاب بدون داشتن پیش شرط های لازم ریشه در آنارشیسم و ماجراجویی کودکانه دارد.

در رد ارزیابی ماجراجویان که با مشاهده اعتراضات خیابانی و بحران اقتصادی در ایران فراخوان «آغاز انقلاب» را می دهند، لنین در اوائل ۱۹۱۵ چنین نوشت: «برای یک مارکسیست این تردید ناپذیر است که بدون موقعیت انقلابی، انقلاب غیر ممکن است، به علاوه هر موقعیت انقلابی به انقلاب منجر نمی شود... موقعیت انقلابی در اغلب کشورهای پیشرفته و قدرت های بزرگ اروپا وجود دارد. آیا این موقعیت برای مدتی طولانی ادامه خواهد داشت؟ تا چه اندازه وخیم تر خواهد شد؟ آیا به انقلاب منجر خواهد شد؟ این چیزی است که به عمل انقلابی توسط طبقه ی پیشرو پرولتاریا، بدست می آید، داده خواهد شد» (لنین، اضمحلال بین الملل دوم - جلد ۲۱ ص ۲۱۶).

این تحلیل ها از یک تجربه پیروزمند انقلاب سوسیالیستی در اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، راه و روش صحیح تدارک انقلاب آتی ایران را به ما به عنوان مارکسیست های انقلابی، نشان می دهد.

*مارکسیسم یا سکتاریسم؟

<http://militaant.com/?p=9953>

**دولت آلترناتیو در ایران چگونه دولتی است؟

<http://militaant.com/?p=7603>

با ما در تلگرام تماس بگیرید:

<https://t.me/MarxistEnghelabi>